



انجمن علمی فقه برای تطبیق ایران



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

Volume 1, Issue 2, 2023

Obstacles to Extradition in Iranian and International Criminal Law

Mahdi Madihi Tameh*¹

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 13-30

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-8545-1537

TELL: +989011499641

Email:

mahdimadihitameh@gmail.com

Article history:

Received: 19 Mar 2023

Revised: 22 Apr 2023

Accepted: 02 May 2023

Published online: 22 Jun 2023

Keywords:

*Obstacles to Extradition,
Prohibition of Extradition,
International Extradition
Treaties.*

ABSTRACT

The obligation to extradite or prosecute criminals and defendants by the contracting governments is one of the issues affecting the judicial assistance of the governments. Domestic laws and extradition treaties are the most important sources of extradition that, in case of conflict between the two, according to the principle of precedence of international law over domestic law, international agreements take precedence over domestic law. In any case, the high volume of treaties between governments in the field of extradition shows that this obligation can become mandatory, but despite the necessity of including the rule of extradition, there are exceptions that create obstacles in the implementation of extradition. Some of these obstacles are legal considerations, others are due to extradition procedures, and some are related to human rights. The condition of mutual criminality, exclusivity of extradition (rule of exclusivity), prohibition of extradition of domestic citizens, prohibition of extradition in political crimes are examples of prohibition of extradition. In this research, the obstacles to the extradition of criminals have been investigated with a descriptive-analytical method, and finally, suggested solutions to overcome these obstacles have been presented.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Madihi Tameh, M (2023). "Obstacles to Extradition in Iranian and International Criminal Law". *Journal of International Criminal Law*, 1(2): 13-30.



مقدمه

استرداد در لغت به معنای بازپس خواستن (عمید/ذیل کلمه)، درخواست بازگردانیدن، (آخوندی ۱۳۸۲: ۳۱۲) و در اصطلاح حقوقی، به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای برگردانیدن متهم یا محکوم‌علیه از کشور محل سکونت به کشور محل وقوع جرم صورت می‌گیرد. استرداد مجرمان به منظور جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مجرمان، در امان ماندن آنان از چنگال قانون و خنثی کردن ملاحظات سیاسی دولت‌ها در قبال متهمان فراری، با تشریک مساعی بین‌المللی و در راستای اجرای عدالت کیفری انجام می‌شود. با این رویکرد، کشورها در سطح داخلی با اتخاذ تدابیر لازم و وضع قوانین و مقررات، تمهیداتی اندیشیده و در سطح بین‌الملل با انعقاد معاهدات دو یا چند جانبه با کشورهای دیگر، گام‌های مؤثری در این زمینه برداشته‌اند.

اصطلاح «استرداد یا مجازات» برای نخستین بار توسط هوگو گروسیوس حقوق‌دان هلندی (۱۶۴۵-۱۵۸۳) در کتاب معروف وی با نام «حقوق جنگ و صلح» در سال ۱۶۲۵ میلادی به‌کار گرفته شد. وی در تبیین این اصطلاح نوشت: «اعمال مجازات که از حقوق طبیعی دولت متضرر ناشی می‌شود، به دولتی که فرد خاطی در قلمرو او است این اجازه را می‌دهد که متعاقب درخواست دولت متضرر یا خود به مجازات خاطی اقدام کند یا ترتیب استرداد فرد خاطی را به دولت صدمه‌دیده بدهد. این همان معنایی است که در روند تاریخی روابط میان ملت‌ها به «استرداد مجرمان» شهرت یافته است» (هوگو، ۱۳۹۲: ۴۵۴-۴۵۳).

قوانین و مقررات کیفری، بارزترین جلوه مقررات سرزمینی و حاکمیتی است که فقط در قلمرو سرزمین و حاکمیت کشور قانون‌گذار قابل اجرا است؛ بنابراین اگر جرمی در ایران ارتکاب یافته باشد و متهم آن به کشور دیگری بگریزد، از آنجایی که نه قوانین جزایی ایران در آن کشور قابلیت اجرا دارد، نه آن کشور، مسؤولیتی در تعقیب یا مجازات این متهم دارد، ایران نمی‌تواند وی را مورد تعقیب قرار دهد یا مجازات را درباره او اجرا کند، مگر این‌که چنین شخصی به ایران بازگردانده شود تا مجازات در مورد او اجرا شود. لذا ضرورت دارد کشورها با تدوین مقررات داخلی، انعقاد معاهده‌ها و موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه، در برابر یکدیگر متعهد شوند که نسبت به تبادل

متهمین و مجرمین به یکدیگر اقدام نمایند. کشور ما در مواجهه با این موضوع، با انعقاد معاهدات بین‌المللی و نیز تصویب قانون استرداد مجرمین در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹، گام‌هایی برداشته است. مطابق ماده یک این قانون، در مواردی که بین دولت ایران و دولت خارجه قرارداد استرداد منعقد شده باشد، استرداد، طبق شرایط مذکور در قرارداد به عمل خواهد آمد و چنان‌چه قراردادی، منعقد نشده یا در صورت انعقاد جامع نباشد و حاوی نکات لازم نباشد استرداد، وفق مفاد با لحاظ شرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد.

«دولتی که یک مرتکب جرم بین‌المللی خاص در قلمرو قضایی او یافت شده است یا باید او را به دولت متقاضی استرداد که صلاحیت و آمادگی تعقیب و محاکمه متهم را دارد مسترد سازد یا خود رأساً تدابیر ضروری و مناسب را برای محاکمه وی در نزد مقامات صلاحیت‌دار قضایی داخلی خود اتخاذ نماید.» (Bassiouni & Wise, 1995: 3)

استرداد مجرمین را نمی‌توان به‌عنوان حق طبیعی دولت‌ها در نظر گرفت لذا بر مبنای معاهدات موجود بین دولت‌ها، قوانین داخلی کشورها و اصول کلی حقوق، انجام می‌شود.

۱- موانع و چالش‌های استرداد

اگرچه موضوع استرداد به‌عنوان یک اصل و قاعده مورد پذیرش اکثر کشورها می‌باشد، اما شامل موانعی است که «در مواردی باعث بی‌کیفری برای مجرمین جرایم عمده و سنگین می‌شود. ازجمله شرط مجرمیت متقابل، اختصاصی بودن استرداد (قاعده اختصاصیت)، ممنوعیت استرداد اتباع، ممنوعیت استرداد در جرایم سیاسی و...» (احمدی نژاد، ۱۳۸۹: ۴) که به‌واسطه آن درخواست استرداد مجرم پذیرفته نمی‌شود.

«مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰ با صدور قطع‌نامه‌ای، نمونه معاهده استرداد را جهت استفاده دولت‌ها تدوین و تصویب نمود تا دولت‌ها بتوانند جهت سهولت و تسریع در تنظیم معاهدات استرداد و یکنواختی و هماهنگی این معاهدات استفاده کنند. در این سند، موانع به دو دسته الزامی و اختیاری تقسیم شده‌اند. موانع الزامی، ناظر به مواردی است که در جامعه بین‌المللی در خصوص امتناع از استرداد در چنین وضعیتی، اتفاق نظر وجود دارد. منظور از موانع اختیاری، مواردی است که تمامی دولت‌ها آن‌ها را مانع استرداد نمی‌دانند لذا انتخاب یا حذف این

مورد در هر موردی به انتخاب متعاهدین است.» (سلیمی، ۱۴۰۰: ۵۸)

از موانع الزامی اشاره شده در این سند، جرم سیاسی، جرم نظامی، تعقیب مبتنی بر تبعیض (نژادی، سیاسی، مذهبی، قومی یا جنسیتی)، نواقص دادرسی (عدم رعایت اصول دادرسی عادلانه بر اساس استانداردهای بین‌المللی)، مجازات‌ها یا رفتارهای خوارکننده غیرانسانی و وحشیانه یا شکنجه، غیرقابل تعقیب بودن (به دلیل مرور زمان یا عفو و... در کشور طرف درخواست)، صدور حکم قطعی و درخواست استرداد به استناد محکومیت غیابی می‌باشد. از جمله موانع اختیاری، تابعیت، مجازات اعدام (در صورت تضمین دولت متقاضی استرداد، مبنی بر عدم اجرای مجازات اعدام، اعمال می‌شود)، تصمیم دولت طرف درخواست مبنی بر عدم تعقیب شخص به خاطر جرم ادعایی، در حال رسیدگی بودن جرم ادعایی در کشور طرف درخواست، وقوع جرم در خارج از سرزمین هر دو دولت یا عدم پذیرش درخواست چنین صلاحیتی توسط قانون دولت طرف درخواست، واقع شدن جرم ادعایی در سرزمین دولت طرف درخواست (در صورت عدم استرداد خود دولت به این جرم رسیدگی می‌کند)، محاکمه متهم در دادگاه ویژه یا فوق‌العاده یا محکومیت متهم در چنین دادگاهی و ملاحظات بشردوستانه، می‌باشد. (سلیمی، ۱۴۰۰: ۵۸-۶۲) در این مقاله، موانع استرداد را در دو حوزه قوانین ملی و بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۱-۱ موانع استرداد مطابق قانون ایران

قانون‌گذار ایران با تدوین قانون راجع به استرداد مجرمین، در سال ۱۳۳۹ موضوع استرداد را مورد پذیرش قرار داده است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به‌ویژه در فصل دوم از بخش اول آن، موضوعات مرتبط با قلمرو مکانی جرم را بیان نموده است که برخی از مواد آن در موضوع استرداد، قابل استناد است. قوانین داخلی استرداد برخلاف معاهدات بین‌المللی استرداد، سند یک طرفه‌ای است که در صورت عدم وجود معاهده به آن استناد می‌شود. (فاطمی شریعت‌پناهی، ۱۳۵۰: ۲۲) در این بخش به ذکر استثنائات استرداد در حقوق داخلی ایران می‌پردازیم.

۱-۱-۱-۱-۱ تحویل اتباع

تابعیت با توجه به زمان ارتکاب جرمی که استرداد برای آن درخواست شده است تعیین خواهد شد. وفق ماده ۳ قانون راجع به استرداد مجرمین^۱، دولت ایران می‌تواند بنابر درخواست دول خارج، افراد غیر ایرانی را که در قلمرو دولت ایران اقامت دارند در صورت وجود شرایطی به دولت تقاضاکننده تسلیم نماید. بند سوم این ماده به جرایم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده که به‌وسیله شخصی غیر از اتباع آن دولت واقع شده باشد اشاره نموده است. شاید این موضوع به ذهن متبادر شود که شامل اتباع ایرانی نیز می‌شود اما با توجه به بیان موضوع استرداد افراد غیر ایرانی مذکور در صدر ماده و این که بند مذکور، در بیان شرایط استرداد این افراد آمده است، لذا شامل استرداد اتباع ایرانی، نمی‌شود ضمن این که بند یک ماده ۸ قانون مذکور به صراحت به این موضوع اشاره نموده است.

به جز کشورهای سیستم «کامن‌لا» که صلاحیت کیفری را مبتنی بر صلاحیت سرزمینی می‌دانند و خود را صالح به محاکمه جرایم ارتكابی اتباع خود در خارج از سرزمین خویش نمی‌دانند، سایر دولت‌ها خود را بر اساس اصل صلاحیت شخصی، صالح به رسیدگی دانسته و از استرداد اتباع خویش به دول دیگر خودداری می‌کنند که این قاعده مبنای عرفی پیدا کرده و اگر قانون اساسی یا قوانین عادی کشوری، استرداد اتباع را منع کرده باشد آن کشور تعهدی به استرداد

^۱ - ماده ۳ - دولت ایران می‌تواند بنابر درخواست دول خارج، افراد غیر ایرانی را که در قلمرو دولت ایران اقامت دارند در صورت وجود شرایط زیر به دولت تقاضاکننده تسلیم نماید.

۱- جرم ارتكابی در قلمرو دولت تقاضاکننده به‌وسیله اتباع آن دولت و یا اتباع دولت دیگر واقع شده باشد.

۲- جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده به‌وسیله اتباع آن دولت واقع شده باشد.

۳- جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده به‌وسیله شخصی غیر از اتباع آن دولت واقع شده باشد. مشروط بر این که جرم ارتكابی، مضر به مصالح عمومی کشور تقاضاکننده باشد.

صورت اعلام تقاضای شخص برای گذراندن ادامه محکومیت در کشور خود، موافقت کشور محکوم‌کننده و کشور متبوع وی، ضرورت دارد.

۱-۱-۲- جرم نبودن عمل در قانون ایران یا کم اهمیت بودن جرم

مطابق بند الف ماده ۷ قانون مجازات اسلامی، هریک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد. از آنجایی که انجام تشریفات استرداد مجرمین، هزینه دارد، لذا انجام استرداد در مورد جرایم و محکومیت‌های کم‌اهمیت پذیرفته نیست. در این خصوص ماده ۴ قانون استرداد مجرمین بیان می‌دارد: درخواست رد و یا قبول استرداد با رعایت مقررات مذکور در مادتين دوم و سوم این قانون تنها در جرایم زیر ممکن است: ۱- در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده، مستلزم جانیات جنایی باشد؛ ۲- در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنحه باشد مشروط بر این‌که حداکثر مجازات مقرر در قانون، کمتر از یکسال حبس نباشد؛ در مورد کسانی که محکومیت یافته‌اند، استرداد در صورتی ممکن است که مدت محکومیت بیشتر از دو ماه حبس باشد. بنابراین در مورد جرایم از درجه خلاف و جنحه کمتر از یکسال حبس، تقاضای استرداد پذیرفته نخواهد شد. همچنین در مورد احکام محکومیت نیز اگر مدت محکومیت دو ماه و کمتر باشد تقاضای استرداد پذیرفته نمی‌شود. (پوربافرانی، ۱۳۹۰: ۲۱۹)

برای پذیرش استرداد نه فقط عمل ارتكابی طبق قوانین کشور تقاضاکننده باید مستلزم مجازات جنایی و یا بیش از یکسال حبس باشد، بلکه به موجب قوانین ایران نیز عمل ارتكابی باید مستلزم مجازات جنایی و یا مجازات جنحه بیش از یکسال حبس باشد. (آخوندی، ۱۳۸۲: ۳۱۷) این اصل به «قاعده مجرمیت متقابل»، معروف است و بر اساس آن، زمانی تقاضای استرداد قابل قبول است که عمل مجرمانه علاوه بر کشور درخواست‌کننده، در کشور درخواست‌شونده نیز

اتباع خود ندارد. (سلیمی، ۱۴۰۰: ۶۱) ازجمله می‌توان به بند ۱ ماده ۶ قانون معاهده استرداد بین ایران و کره جنوبی مصوب ۱۳۹۶/۰۲/۱۹ اشاره کرد که در آن الزامی به استرداد اتباع وجود ندارد. البته در بند دوم ماده مذکور آمده است که چنانچه استرداد فقط به دلیل تابعیت شخص مورد نظر رد شود، طرف درخواست‌شونده بنا به درخواست طرف درخواست‌کننده، پرونده را به منظور پیگرد به مراجع صلاحیت‌دار خود، تسلیم خواهد نمود. همچنین به موجب بند «ب» ماده ۴ قانون مورد اشاره، هرگاه شخص موردنظر در قلمرو طرف درخواست‌شونده برای جرمی که استرداد در مورد آن، درخواست شده است تحت رسیدگی، محاکمه یا محکومیت قرار گرفته یا تبرئه شده باشد، استرداد منع شده است.

در عمل قاعده منع استرداد اتباع داخلی در غالب معاهدات بین‌المللی، حتی معاهداتی که آمریکا و انگلیس در آن شرکت داشته‌اند پیش‌بینی شده است اما به خاطر آنکه این قاعده موجب فرار مجرمین از مجازات نشود در بعضی قراردادها مثل **معاهده مونته ویدئو** و معاهده اروپایی چنین مقرر شده است که هر یک از دولت‌های عضو موظف است که در صورت مسترد نداشتن اتباع داخلی، خود به تعقیب و محاکمه این گونه افراد بپردازند. (صانعی، ۱۳۷۷: ۱۵۹)

اولویت مجازات اتباع غیرایرانی که در قلمرو ایران، مرتکب جرم می‌شوند با دولت ایران است. ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «قوانین جزایی ایران، درباره کلیه اشخاصی که در قلمرو حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌شود مگر آنکه به موجب قانون، ترتیب دیگری مقرر شده باشد.» در عرف بین‌المللی معاهدات مربوط به استرداد محکومین در مورد شخصی که در سرزمین یک کشور، مرتکب جرمی می‌شود و توسط دستگاه قضایی آن کشور به رفتار مجرمانه وی رسیدگی شده و محکوم به حبس می‌شود، کشور متبوع این شخص به دلیل علقه‌های سیاسی-حقوقی با آن شخص، تقاضای استرداد جهت گذراندن باقیمانده محکومیت شخص در زندان‌های خودش را دارد که در این موارد علاوه بر ضرورت موافقت دولت محاکمه‌کننده، شخص مورد نظر، می‌تواند رضایت خویش برای استرداد را اعلام نماید. به عبارت دیگر در

رسیدگی می‌شود، مشروط بر این‌که، متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد. بند «پنج» ماده ۸ قانون راجع به استرداد نیز بیان می‌دارد: «هرگاه طبق قانون دولت ایران یا قانون دولت تقاضاکننده، تعقیب یا مجازات، مشمول مرور زمان شده و یا به جهتی از جهات قانونی، شخص مورد تقاضا طبق قانون دولت تقاضاکننده، قابل تعقیب یا مجازات نباشد.»

۱-۱-۴- تحویل مجرمین سیاسی

اصل عدم استرداد مجرمین سیاسی، ازجمله اصول مورد پذیرش اکثر کشورها است. جرم سیاسی ذاتاً عملی قبیح و مجرمانه نیست بلکه حاکمیت به خاطر منافع خود آن را جرم می‌داند لذا قابل استرداد نیست. چنانچه درخواست استرداد درخصوص یک جرم عمومی با انگیزه سیاسی باشد باز هم غیرقابل استرداد است. در اقدامات مجرم سیاسی نباید توسل به خشونت، کودتا و نظایر اینها وجود داشته باشد و گرنه به حد جرایم تروریستی تنزل پیدا می‌کند. مجرم سیاسی اصولاً به‌خاطر منافع شخصی خود اقدام نمی‌کند و در مقام اعمال حقوق خود برای مدیریت بهتر جامعه، صاحب اندیشه است. این حق یکی از حقوق بشری افراد است که در امور عمومی جامعه، مشارکت کنند. (سلیمی، ۱۴۰۰: ۵۹)

انصاف نیز حکم می‌کند از تسلیم مجرم سیاسی به حاکمیتی که دشمن وی محسوب می‌شود، خودداری شود. این قاعده در تمامی قراردادهای استرداد مجرمین بین ایران و سایر دولت‌ها پذیرفته شده است و با توجه به اینکه تعریف جامعی از این جرم در عرف بین الملل وجود ندارد، لذا «تشخیص سیاسی بودن جرم به عهده کشور درخواست‌شونده است». (پورباقرانی، ۱۳۹۰: ۲۱۵)

بند ۲ ماده ۸ قانون استرداد مجرمین بیان می‌دارد: «هرگاه جرم ارتكابی از جرایم سیاسی باشد و یا اوضاع و احوال قضیه معلوم شود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آمده باشد همچنین در مورد اختلافات و جنگ‌های داخلی، استرداد مورد قبول نخواهد شد مگر آن که در این صورت استرداد پس از خاتمه جنگ‌های داخلی قابل قبول خواهد بود. سوءقصد به حیات افراد در هیچ مورد، جرم سیاسی محسوب نخواهد شد.» ولی این جرایم

جرم باشد. قاعده مجرمیت متقابل، در جرایم ناشی از فناوری مدرن، جرایم سازمان‌یافته و...، ایراداتی دارد که برای رفع آن به نظر می‌رسد از قاعده «یا تعقیب یا استرداد» و نیز «دادرسی انتقال یافته»، باید بهره جست تا مجرم به سزای اعمالش برسد.

۱-۱-۳- اجرای مجازات یا انحلال آن

قانون مجازات اسلامی، اجرای مجازات در مورد جرایم ارتكابی اتباع ایرانی و اتباع خارجی در خارج از کشور را در مواد ۷ و ۸ بیان نموده است. مطابق ماده ۷، اگر یک ایرانی در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود به شرطی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم، محاکمه یا تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجراء نشده باشد (بند «ب» و طبق قوانین ایران، موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد. (بند «پ»)) همچنین مطابق بند «الف» ماده ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران، مرتکب جرمی به جز جرایم مذکور در فصل دوم از بخش اول^۱ شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او

^۱ - اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران، جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن، جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس‌جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس واعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرا یا معاونان رئیس‌جمهور یا استفاده از آنها، جعل آراء مراجع قضائی یا اجرائیه‌های صادره از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آنها، جعل اسکناس رایج یا اسناد تعهدآور بانکی ایران و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادرشده یا تضمین شده از طرف دولت یا تهیه یا ترویج سکه قلب در مورد مسکوکات رایج داخل، جرائم مستخدمان دولت اعم از ایرانی یا غیرایرانی که در رابطه با شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب شده‌اند و جرایم مأموران سیاسی و کنسولی و دیگر وابستگان دولت ایران که از مصونیت سیاسی برخوردارند.

موضوع می‌تواند موجب أخذ ضمانت‌ها یا تعهداتی از سوی کشور درخواست‌شونده، به‌منظور حمایت از مجرم شود.

در حال حاضر بسیاری از کشورها معتقدند که دکترین اختصاصیت، صرف‌نظر از اینکه به‌صراحت در معاهده استرداد ذکر شده باشد، اعمال می‌شود. در واقع، اکنون این یک «اصل پذیرفته شده جهانی» است. ماده ۱۱ معاهده الگوی سازمان ملل^۱ به اصل اختصاص تصریح نموده است. همچنین ماده ۱۰۱ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی کیفری به‌طور مشخص می‌گوید: «شخصی که به موجب این اساسنامه به دادگاه تسلیم شده باشد، به‌دلیل رفتاری که قبل از تسلیم مرتکب شده باشد، به غیر از رفتار یا رفتاری که اساس آن را تشکیل می‌دهد، تحت تعقیب، مجازات یا بازداشت قرار نمی‌گیرد»^۲ با این حال، اساسنامه همچنین شرایطی را فراهم می‌کند که دولت‌های تسلیم‌کننده از قاعده تخصص چشم‌پوشی کنند. این یک استثنای مفید است زیرا دادستان و دادگاه ممکن است تا زمانی که متهم تسلیم نشده است، مدرکی دال بر جرایم دیگر بیابند.

پرونده استرداد در حکم حصری است بر روی متهم و محاکم دولت درخواست‌کننده نمی‌توانند جز همان اتهامات قیدشده در تقاضانامه استرداد، متهم را به عناوین و اتهامات دیگر تعقیب و محاکمه کنند. (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۱۹/۱) انتقادی که بر قانون استرداد ایران وارد شده این است که در مورد وضعیت بازداشت مقدماتی در دولت درخواست‌شونده، اصل اختصاص را مورد تصریح قرار نداده است و در صورت سکوت قانون‌گذار ایران، می‌تواند موجبات سوءاستفاده برای دولت درخواست‌کننده را فراهم آورد. (قیطوطی، ۱۳۹۷: ۳۳۶) همچنین «شورای نگهبان به استناد اصل چهارم قانون اساسی در موارد متعددی به اصل اختصاص ایراد کرده است؛ برای مثال شورای نگهبان در موافقتنامه استرداد مجرمان میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ازبکستان اعلام نموده که اطلاق بند یک ماده ۱۳ چون شامل مواردی می‌شود که پیگرد جزایی یا مجازات شخص مستردشده را که از لحاظ شرعی لازم است،

متصل یا مربوط به جرایم سیاسی تلقی شده و به همین لحاظ، مشمول استرداد نمی‌باشند. (آخوندی، ۱۳۸۲: ۳۱۸)

۱-۵- تحویل مجرمین نظامی

عدم استرداد مجرمین نظامی در بند ۴ ماده ۸ قانون استرداد مجرمین به صراحت ذکر شده است. «جرم خاص نظامی، قابل استرداد نیست، چون این اعمال، ذاتاً مجرمانه و قبیح نیستند بلکه نقض سلسله مراتب و مقررات اداری و انضباطی هستند که به خاطر رعایت نظم، برای نظامیان جرم تلقی شده‌است» (سلیمی، ۱۴۰۰: ۵۹-۶۰) ضمن اینکه عدم تناسب بین جرم نظامی و مجازات آن و کم بودن احتمال تخفیف در مجازات، می‌تواند دلیل دیگری بر این موضوع باشد.

۱-۶- عدم رعایت شرایط مربوط به دولت متقاضی استرداد

مستفاد از ماده ۳ قانون راجع به استرداد، دولت‌های خارجی با رعایت یکی از شرایط زیر می‌توانند از دولت جمهوری اسلامی ایران تقاضای استرداد مجرم را بنمایند:

- جرم در قلمرو دولت تقاضاکننده و به وسیله اتباع آن دولت یا اتباع دولت دیگری واقع شده باشد؛
 - جرم در خارج از قلمرو حاکمیت دولت تقاضاکننده ولی از ناحیه اتباع آن دولت واقع شده باشد؛
 - جرم ارتكابی برخلاف مصالح عمومی کشور تقاضاکننده، در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیله شخصی غیر از اتباع آن دولت واقع شده‌باشد.
- بنابراین عدم رعایت این شرایط، مانعی در برابر استرداد افراد غیر ایرانی که در قلمرو ایران، اقامت دارند محسوب می‌شود.

۱-۷- قاعده اختصاصیت

مطابق ماده ۲۳ قانون راجع به استرداد، شخصی را که استرداد او مورد قبول واقع شده نمی‌توان به اتهام جرم دیگری که قبل از تاریخ استرداد مرتکب گردیده مورد تعقیب قرار داد یا مجازات نمود مگر با جلب رضایت دولت مستردکننده. دولت ایران می‌تواند بنابر درخواست دولت تقاضاکننده، رضایت خود را نسبت به تعقیب و یا اجرای مجازات اعلام نماید هرچند جرم ارتكابی از جرایم مذکور در ماده ۴ این قانون نباشد. این

^۱ - Extradition on Treaty Model.

^۲ - ICC Statute, supra note 1, art. 101(1).

ممنوع میکند، خلاف موازین شرع شناخته می‌شود.» (شریعت باقری، ۱۳۹۳: ۴۵-۴۴)

قاعده اختصاصیت بیشتر ناظر به حق دولت درخواست‌شونده است تا مجرم. «نمی‌توان شخص مورد نظر را به دلیل سایر جرایم ارتكابی نیز مورد تعقیب و محاکمه قرار داد، زیرا این امر در واقع تجاوز به حق دولت درخواست‌شونده به‌شمار می‌آید.» (Agrawala, 1965: 217) درواقع گرچه قاعده اختصاص درجهت حمایت از حقوق متهمان ایجاد شده است، اما رویه‌های قضایی به‌صراحت قاعده اختصاص را در زمره حقوق دولت درخواست‌شونده به‌صراحت از اصل اختصاص صرف نظر کند، متهم هیچ حق اعتراضی نخواهد داشت.» (Bassiouni, 2014: 597)

اصل اختصاص، استثناءپذیر است. ارتكاب جرم جدید پس از استرداد، عدم ترک کشور درخواست‌کننده در یک مدت متعارف، بازگشت داوطلبانه به کشور درخواست‌کننده، رضایت دولت درخواست‌شونده از جمله استثناءهای اصل اختصاص قرار می‌گیرند که در این موارد دولت درخواست‌کننده می‌تواند بدون نقض اصل اختصاص و بر اساس اصول صلاحیتی به محاکمه متهم بپردازد. بنابراین، پس از محاکمه یا رهایی از اتهام یادشده، باید زمان مناسب به متهم داده شود تا به دولت پناهنده خود بازگردد. (Garcia & Doyle, 2010: 29)

همچنین تغییر عنوان مجرمانه جرم مورد درخواست در اثنای رسیدگی می‌تواند در شمار استثناءهای اصل اختصاص قرار گیرد. «اگر در اثنای رسیدگی احراز شد که عنوان مجرمانه جرم ارتكابی عنوان دیگری است، در این صورت ادامه رسیدگی منعی ندارد.» (عباسی، ۱۳۷۰: ۲۵۲). اگر تغییر عنوان مجرمانه با توجه به اصل ویژگی‌های رفتار ارتكابی صورت گیرد و همچنین مجازات عنوان جایگزین به میزان مجازات جرم مورد درخواست یا کمتر از عنوان درخواستی باشد، مشکلی به وجود نخواهد آمد.

۱-۸- هم زمانی و تعدد تقاضا

اگر هم‌زمان، دو دولت تقاضای استرداد داشته باشند، موضوع تسلیم مجرم، کمی پیچیده می‌شود. در این خصوص بحث

صلاحیت‌ها مطرح می‌گردد. آیا استرداد باید به کشوری که جرم در آن اتفاق افتاده (صلاحیت سرزمینی) یا کشوری که مجرم، تبعه آن می‌باشد (صلاحیت شخصی) و یا کشوری که جرم علیه منافع اساسی و حیاتی آن واقع شده است (صلاحیت حمایتی) صورت پذیرد؟

بر اساس ماده ۹ قانون استرداد مجرمین که بیان می‌دارد: «هرگاه چند دولت، تقاضای رد مجرمی را به علت ارتكاب عمل واحدی بنمایند شخص مورد تقاضا به دولتی تسلیم می‌شود که جرم در قلمرو آن دولت یا علیه مصالح آن کشور ارتكاب یافته است»، اولویت با کشوری است که صلاحیت سرزمینی و یا صلاحیت حمایتی دارد و بر کشوری که بر مبنای اصل صلاحیت شخصی، درخواست داده ترجیح داده می‌شود.

این که اگر هم‌زمان دو کشوری که واجد صلاحیت سرزمینی و صلاحیت واقعی‌اند درخواست استرداد نسبت به مجرم موضوع این ماده داشته باشند، مجرم به کدام کشور مسترد خواهد شد در این ماده معلوم نیست به‌نظر می‌رسد در این مورد دولت اختیار کامل دارد که به هر کشوری که خواست مجرم را مسترد کند. (پورباقرانی، ۱۳۹۰: ۲۱۹) در این مورد به ماده ۱۱ قانون معاهده استرداد بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره اشاره می‌نماییم. در بند یک این ماده، نظر دولت درخواست‌شونده را ملاک قرارداده است و در بند دوم، عوامل: الف) تابعیت و محل عادی اقامت شخص موردنظر، ب) تنظیم یا عدم تنظیم درخواست‌ها به موجب معاهده، پ) زمان و مکان ارتكاب هر جرم، ت) منافع مربوط دولت‌های درخواست‌کننده، ث) شدت جرایم، ج) تابعیت زیان‌دیده، چ) امکان استرداد بعدی بین دولت‌های درخواست‌کننده و ح) ترتیب زمانی درخواست‌ها را برای تعیین کشور مسترد شونده توسط دولت درخواست‌شونده، بیان نموده است.

۱-۹- عدم رعایت تشریفات استرداد

مطابق ماده ۱۲ قانون راجع به استرداد مجرمین، «تقاضای رد باید از طریق سیاسی از دولت ایران به عمل آید. تقاضانامه مزبور باید متضمن حکم محکومیت یا قرار جلب به محاکمه یا توقیف یا دستور جلب یا هرگونه اسناد دیگری که دارای اعتبار مدارک مذکور است باشد و جریان اتهام و تاریخ وقوع جرم و کیفیات قضیه در آن قید گردد. به‌علاوه، دولت تقاضاکننده باید رونوشت

مواد مورد استناد را ضمیمه تقاضانامه استرداد نماید». بنابراین در صورت عدم رعایت این تشریفات، امکان استرداد، وجود ندارد.

۱-۱-۱- هزینه استرداد

برابر ماده ۲۵ قانون استرداد مجرمین، اگر دولتی، شخصی را از دولت دیگر استرداد نماید به نحوی که مجرم باید از طریق ترانزیت از کشور ایران عبور کند، دولت متقاضی باید بدو از طریق سیاسی از دولت ایران تحصیل اجازه نماید. همچنین طبق ماده ۲۶ در صورت موافقت با ترانزیت، هزینه استرداد و عبور ترانزیت به عهده دولت تقاضاکننده است. اگرچه، در عرف بین‌الملل در صورت وجود سایر شرایط استرداد، نمی‌توان صرفاً به دلیل عدم پرداخت هزینه استرداد، مانع استرداد شد.

«دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده هابره (۲۰۱۲) نتیجه گرفت که مشکلات مالی که دولت سنگال در مسیر تسلیم پرونده به مقامات صلاحیت‌دار به منظور محاکمه با آنها مواجه بود نمی‌تواند به عنوان یک دفاع در برابر نقض تعهد به استرداد با محاکمه مورد استناد قرار گیرند و آستانه ضروری تلاش دولت نگهدارنده متهم (سنگال) برای محاکمه او به سبب ناتوانی مالی یا سایر مشکلات مشابه دیگر نمی‌تواند به خطر بیفتد. (Belgium v. Senegal, 2012, Para 112)

۱-۲- موانع استرداد در حقوق بین‌الملل

شاید مهم‌ترین مبنای استرداد که موجب می‌شود کشورها آن را حق مسلم خود بدانند این مطلب است که صلاحیت آنان برای رسیدگی به رفتار مجرمانه و جبران ضرر و زیان ایجادشده علیه اشخاص و منافع کشور و جلوگیری از بی‌کیفری متهم، کاملاً منطبق با اعمال حاکمیت است.

صلاحیت سرزمینی، شخصی و حمایتی از جمله صلاحیت‌های مطرح در این عرصه می‌باشند. تابعیت مجرم و تابعیت بزه‌دیده، می‌تواند ملاک صلاحیت یافتن کشور متبوع برای رسیدگی به جرم باشد. گاه نوع جرم، صلاحیت را تعیین می‌کند یعنی برخی جرایم هستند که مرتکب این جرایم در صورت ارتکاب جرم در هرکجا دستگیر شود، طبق عهود خاص و کنوانسیون‌های بین‌المللی محاکمه خواهد شد (صلاحیت جهانی). نظر برخی حقوقدانان بر آن است که در

صورت وجود چنین صلاحیتی و نیز دریافت تقاضای استرداد، استرداد مقدم بر اعمال صلاحیت جهانی است. در باقی موارد صلاحیتی، هریک از این صلاحیت‌ها می‌توانند مانع استرداد شوند که یکی از راه‌های مفید رفع آن، گسترش همکاری‌های قضایی بین‌المللی است.

همچنین در جامعه بین‌الملل این امکان وجود دارد که به دلیل ارتکاب رفتار مجرمانه واحد، بیش از یک دولت، صلاحیت رسیدگی داشته باشد. این امر نه فقط خاطر تعدد اصول صلاحیتی است بلکه در مواردی به استناد فقط یک اصل صلاحیتی، چند دولت همزمان، صالح به رسیدگی هستند. مثلاً در یک جرم مرکب یا مقید، چنانچه اجزای جرمی در چند سرزمین مختلف اتفاق افتند به استناد صلاحیت سرزمینی، مراجع قضایی چند کشور صالح خواهند بود. یا برای نمونه اگر شخص مرتکب دو تابعیت داشته باشد و بزه دیده، تابعیت دیگری داشته باشد ممکن است همزمان، سه دولت به استناد جنبه‌های مثبت و منفی اصل صلاحیت شخصی، صالح به رسیدگی باشند. این قاعده اولین بار در سال ۱۳۵۲ به طور ناقص، در ماده ۳ قانون مجازات عمومی وارد شد در قوانین پس از انقلاب، کلاً حذف شده و در قانون ۱۳۹۲، تقریباً به همان شکل که در قانون ۱۳۵۲ آمده بود تدوین یافته است. (سلیمی، ۱۴۰۰: ۶۲)

Ne bis in idem در لغت به معنای «دو بار در یک چیز نیست» می‌باشد و این قاعده اساساً یک حمایت بین‌المللی در برابر خطر محاکمه مضاعف است. این قاعده در صورتی از استرداد جلوگیری می‌کند که دولت بازداشت‌کننده، قبلاً متهم را به‌همین دلیل محاکمه کرده باشد یا در حال رسیدگی به اتهامات مشابه باشد یا اگر کشور ثالثی در رابطه با همان رفتار، حکمی صادر کرده باشد از استرداد جلوگیری می‌کند.

ممنوعیت محاکمه مضاعف، یک اصل است که توسط قوانین کیفری اکثر کشورها به رسمیت شناخته شده است. ماده ۲۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز، دادگاه را از محاکمه مجدد متهم پس از محکومیت یا تبرئه توسط دادگاه منع می‌کند. این قاعده صرفاً در مواردی که محکومیت یا برائت متهم قطعی یافته یا مجازات به‌طور کامل، اجرا شده است،

جاری است. به قراردادهای صادره از دادسرا به این دلیل که در این مرجع، تشریفات دادرسی به طور کامل رعایت نمی‌شود، ترتیب اثر داده نمی‌شود.

مجرمیت متقابل یکی از شروط اساسی ایجابی استرداد محسوب می‌شود. قاعده مجرمیت متقابل بر اساس اصل Nulla poena sine lege (بدون مجازات، بدون قانون) بنا شده است. بر اساس این اصل، استرداد تنها در صورتی امکان‌پذیر است که عمل متهم بر اساس قوانین کشور درخواست‌کننده و دولت بازداشت‌کننده، جرم باشد. این اصل یکی از شناخته‌شده‌ترین قواعد حقوق استرداد در هر دو سیستم رومی ژرمنی و کامن‌لا است.

۲- رویه قضایی مراجع قضایی بین‌المللی

در ادامه این مبحث، با استناد به قوانین بین‌المللی، رویکرد مراجع قضایی بین‌المللی را در مواجهه با اعمال ممنوعیت در استرداد مجرمین و متهمین به صورت اجمالی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۲- استرداد در دادگاه اروپایی حقوق بشر

این مرجع به‌عنوان رکن قضایی «کنوانسیون اروپایی حقوق بشر» می‌باشد. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۵۰ که در سپتامبر ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا گردید، گامی مهم در اجرای جنبه‌های خاصی از اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال ۱۹۴۸ می‌باشد. (زمانی، ۱۳۸۶: ۱۳۸) کنوانسیون مذکور به‌منظور حمایت از اتباع بیگانه که به کشورهای اروپایی پناهنده شده یا تابعیت آنها را دریافت داشته‌اند، قواعدی را بیان داشته‌است. دادگاه اروپایی حقوق بشر، متهمین یا مجرمین به ارتکاب جرایمی را که در صورت اخراج از کشور و یا استرداد به کشور متقاضی در معرض تضییع حقوق مندرج در مواد ۲ «حق حیات»، ۳ «منع شکنجه»، ۵ «حق آزادی و امنیت»، ۸ «حق احترام به حریم خصوصی و زندگی خانوادگی» و ۱۳ «حق جبران مؤثر» کنوانسیون حقوق بشر قرار می‌گیرند را در مقابل نقض این حقوق که کنوانسیون برای آنها به رسمیت شناخته است، حمایت می‌نماید. (احمدی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۱) همچنین در پروتکل الحاقی، کشورهای عضو از اخراج اتباع بیگانه بدون رسیدگی قانونی، منع شده‌اند.

به‌گونه‌ای که اشخاص حقیقی، ساکن کشورهای اروپایی در صورتی که دولت محل اقامتشان، تصمیم به اخراج یا استرداد آنان گرفت می‌توانند به این دیوان شکایت نمایند. دیوان اروپایی حقوق بشر از طریق یک فرآیند قانونی که در برگیرنده مجموعه‌ای از اظهارات طرفین دعوا اعم از اسناد و ادله ارائه شده به دادگاه و همچنین دفاعیات کشورها می‌باشد به این موضوعات، رسیدگی می‌کند. «در این فرایند کشورها می‌بایست دفاع مفصلی در خصوص این کشمکش قانونی با تأسی به تبعیت از مواد کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ارائه نمایند و این وظیفه دیوان است که مشخص کند که آیا و تا چه حد دفاعیات کشورها با الزامات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطابقت دارد. نکته دیگر این‌که رسیدگی دیوان اروپایی حقوق بشر به استناد مواد کنوانسیون و همچنین تصمیمات و احکام دیوان در موارد مشابه خواهد بود که در نتیجه، این دو روش مجموعه‌ای از رویه‌های قضایی قانونی را شکل خواهد داد (Langford, 2009:513).

کشورهای عضو کنوانسیون در اجرای مفاد ماده یک متعهد می‌شوند که هیچ‌گونه محدودیتی در اجرای آزادانه اصول حقوق بین‌الملل عمومی و نیز در تعهداتی که به موجب کنوانسیون بر عهده گرفته‌اند، اعمال ننمایند. لذا کشورها نمی‌توانند با مطرح کردن موضوعاتی مانند عدم تابعیت، نسبت به رعایت و یا عدم رعایت موازین حقوق بشری از ناحیه کشوری که متقاضی استرداد می‌باشد، یا کشوری که مجرم به آنجا اخراج می‌شود، بی‌تفاوت باشند؛ نتیجه این‌که کشورها به‌عنوان طرف‌های متعهد به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، متعهد به اعمال حقوق بنیادین بشری طی فرآیند اخراج یا استرداد از زمان دستگیری یک نفر تا زمان انتقال به کشور متقاضی می‌باشند و چنانچه اخراج و یا استرداد، فرد را در معرض تضییع این حقوق در کشور متقاضی یا کشوری که فرد به آنجا اخراج می‌شود، قرار دهد، دولت عضو کنوانسیون موظف به اخذ تضمینات عینی از کشور مورد نظر در خصوص احترام به این حقوق بنیادین در صورت استرداد و اخراج، می‌باشند. (احمدی نژاد، ۱۳۹۱: ۲۸)

² Bader and Others v. Sweden, judgment of 8 November 2005, no 13284/04.

نقض ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطرح شده است، می‌پردازیم:

۲-۱-۲-۱- دعوی اینهورن مقابل فرانسه

در این پرونده، یک شهروند آمریکایی، پس از متهم شدن به قتل شریک سابق خود، ایالات متحده را ترک کرد. در غیاب او به جرم ارتکاب قتل، مجرم شناخته شد و به حبس ابد محکوم گردید. با درخواست استرداد وی از دولت فرانسه، این کشور با استرداد او موافقت کرد، به این دلیل که او در صورت بازگشت به پنسیلوانیا از یک محاکمه جدید و عادلانه بهره‌مند خواهد شد و مجازات اعدام برای وی اعمال نخواهد داشت. این شهروند درخصوص این تصمیم دولت فرانسه، درخواست تجدیدنظر داد و شورای اتحادیه فرانسه درخواست تجدیدنظر او را رد کرد. خواهان در دادگاه اظهار داشت که استرداد وی برخلاف ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد، به‌ویژه که او احتمالاً مجبور به گذراندن حبس ابد بدون امکان واقعی عفو یا آزادی مشروط است. دادگاه این درخواست را غیرقابل پذیرش اعلام کرد. با تأکید بر این که نمی‌توان رد کرد که اعمال یک حبس ابد غیرقابل کاهش می‌تواند موضوعی را بر اساس ماده ۳ کنوانسیون ایجاد کند و در این رابطه با استناد به اسناد شورای اروپا، دادگاه خاطرنشان کرد که فرماندار پنسیلوانیا می‌تواند یک حبس ابد را به مدتی که امکان آزادی مشروط را فراهم می‌کند، تبدیل کند. در نتیجه، اگرچه امکان آزادی مشروط برای زندانیانی که در حال گذراندن حبس ابد در پنسیلوانیا هستند محدود می‌باشد، اما نمی‌توان از این نتیجه استنباط کرد که اگر متقاضی پس از محاکمه جدید در پنسیلوانیا به حبس ابد محکوم شود، نمی‌تواند با آزادی مشروط آزاد شود و او هیچ مدرکی برای اثبات چنین استنباطی ارائه نکرده است.

۲-۲-۱-۲- پرونده هارکینز و ادوارد مقابل انگلیس^۱

در این پرونده هر دو نفر (هارکینز و ادواردز) با استرداد از بریتانیا به ایالات متحده مواجه شدند؛ جایی که به گفته آنها، خطر مجازات اعدام یا حبس ابد بدون آزادی مشروط وجود

داشت. مقامات ایالات متحده تضمین دادند که مجازات اعدام در آنها اعمال نخواهد شد و حداکثر مجازاتی که آنها در معرض خطر هستند حبس ابد است. لذا در رابطه با خطر حبس ابد بدون آزادی مشروط، دادگاه اعلام کرد که در صورت استرداد یکی از متقاضیان به ایالات متحده، هیچ نقضی از ماده ۳ (منع رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز) کنوانسیون وجود نخواهد داشت. با توجه به این که در مورد نفر اول، او هنوز مجرم شناخته نشده بود، و حتی اگر او مجرم شناخته می‌شد و به حبس ابد اجباری محکوم می‌شد، با اعدام مواجه نمی‌شد. همچنین فرماندار فلوریدا و هیأت اجرایی بخش فلوریدا می‌توانستند در اصل حکم تصمیماتی بگیرند که مجازات او را کاهش دهند. در مورد نفر دوم، او حداکثر با یک حبس ابد بدون آزادی مشروط روبه‌رو بود. با توجه به اینکه این حکم تنها پس از بررسی همه عوامل مربوطه توسط قاضی پرونده و تنها در صورت محکومیت وی برای قتل عمد ممکن خواهد بود، دادگاه به این نتیجه رسید که حکم به استرداد، نامتناسب با ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نخواهد بود.

۲-۲-۱-۳- پرونده ببر احمد و دیگران مقابل انگلیس^۲

خواهان‌ها در این دعوی به اتهامات مختلف تروریسم در آمریکا متهم شدند که بر این اساس درخواست استرداد آنها را داشتند. در مقابل استناد خواهان‌ها از خطر گذراندن دوره حبس خود در یک زندان ویژه که در آن تحت تدابیر اداری خاصی قرار داشته و محکومیت آنها از حبس ابد غیرقابل کاهش است شکایت داشتند.

دادگاه در مورد پنج نفر از خواهان‌ها،^۳ اعلام کرد که در صورت استرداد آنها به ایالات متحده، به دلیل طولانی شدن مدت محکومیت احتمالی آنها، از مصادیق نقض ماده ۳ کنوانسیون نخواهد بود. به‌ویژه خاطرنشان کرد که مطمئن نیست که در صورت استرداد، متقاضیان مجرم شناخته شوند

² Babar Ahmad and Others v. the United Kingdom, 10 April 2012.

³ The examination of the sixth applicant's complaints was adjourned and the Court decided to consider them under a new application number (no. 17299/12)

¹ Harkins and Edwards v. the United Kingdom, 17 January 2012 .

ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، با به رسمیت شناختن حق آزادی و امنیت برای همه دولت‌های متعاقد را از تجاوز به آزادی و امنیت اتباع خویش و هرکس که در قلمرو صلاحیت آنها قرار دارند، منع می‌نماید. ماده مزبور، آزادی و امنیت شخصی را به عنوان مفهومی ترکیبی در نظر گرفته و یک تفسیر جداگانه از آن ندارد. همچنین ماده پنجم کنوانسیون، دستگیری و حبس را تحت شرایط خاصی مانند بازداشت شخص مظنون به ارتکاب جرم و زندانی کردن در اجرای مجازات، امکان‌پذیر می‌داند. به علاوه این ماده به کسی که بازداشت شده یا در حبس است این حق را می‌دهد که نسبت به دلایل دستگیری و اتهام خویش آگاهی یافته و در مدت زمان معقولی محاکمه شود یا تا زمان محاکمه آزاد باشد و در نهایت به متهم حق مطالبه خسارات و جبران خسارت ناشی از دستگیری و یا بازداشت غیر قانونی خود را نیز اعطاء می‌نماید. (احمدی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۹)

لازم به ذکر است که یکی از پروتکل‌های موجود در خصوص این موضوع، پروتکل شماره ۴ می‌باشد که ماده ۲ آن حق بر ترک یک کشور و همچنین رفت و آمد آزادانه در یک کشور را به رسمیت می‌شناسد. دیوان اروپایی حقوق بشر برای مشخص کردن مرز بین ماده ۵ کنوانسیون ممنوعیت محرومیت از آزادی با ماده ۲ پروتکل شماره ۴) ممنوعیت اعمال محدودیت در آزادی از موضوعاتی مانند طول دوره بازداشت، روش بازداشت و... استفاده می‌نماید (Mole, 2007: 79).

در پرونده محسن عبدالخانی و حمید کریم‌نیا (Abdolkhani and Karimnia v. Turkey, 2010: 50213/08) از اتباع ایران و از اعضای سابق سازمان مجاهدین خلق که پس از تعطیل شدن اردوگاه اشرف در آوریل ۲۰۰۸ به ترکیه فرار کردند و دولت ترکیه بدون انجام روال قانونی آنان را به کشور عراق اخراج کرد، آنها دوباره به ترکیه بازگشتند و این بار

یا برای آنها حکم حبس ابد اعمال شود. با این حال، حتی اگر چنین حکمی برای خواهان‌ها صادر می‌شد، با توجه به سنگینی اتهامات آنها، دادگاه آنها را به شدت نامتناسب نمی‌دانست. علاوه بر این، از آنجایی که هیچ یک از خواهان‌ها هنوز محکوم نشده و یا شروع به گذراندن دوران محکومیت خود نکرده‌اند، دادگاه در نظر گرفت که آنها نشان نداده‌اند که پس از استرداد، حبس آنها در ایالات متحده مشروع نخواهد بود. همچنین در صورت رسیدن به آن نقطه، مشخص نیست که آیا مقامات ایالات متحده با استفاده از مکانیسم‌های موجود در سیستم خود، از کاهش مجازات‌های احتمالی متهمان خودداری می‌کنند یا خیر؟

۲-۱-۳- استناد به ماده پنجم کنوانسیون^۱

^۱ - ماده پنجم: «۱- هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود، مگر در موارد ذیل و طبق آئینی که به موجب قانون مقرر شده است: الف) بازداشت قانونی شخص پس از محکومیت در دادگاه صالح؛ ب) دستگیری یا بازداشت قانونی شخص جهت حاضر کردن او نزد مرجع صالح قانونی به دلیل سوءظن موجه در ارتکاب جرم توسط وی یا هنگامی که دستگیری یا بازداشت جهت جلوگیری از ارتکاب جرم توسط وی یا متواری شدن وی پس از ارتکاب جرم به جهت موجه ضروری به نظر برسد؛ ج) دستگیری یا بازداشت قانونی شخص جهت حاضر کردن او نزد مرجع صالح قانونی به دلیل سوءظن موجه در ارتکاب پس از ارتکاب جرم به جهت موجه ضروری به نظر برسد؛ د) بازداشت صغیر به موجب دستور قانونی به منظور نظارت آموزشی پرورشی یا بازداشت قانونی به منظور حاضر کردن وی نزد مرجع صالح قانونی؛ و بازداشت قانونی اشخاص جهت جلوگیری از شیوع بیماری‌های عفونی، یا بازداشت قانونی اشخاص مجنون، دائم الخمر، معتاد به مواد مخدر یا ولگردان و دستگیری یا بازداشت قانونی شخص جهت جلوگیری از ورود غیرقانونی وی به کشور با بازداشت اشخاصی که علیه آنان اقداماتی جهت اخراج یا استرداد در جریان است. ۲- هر کس که دستگیر می‌شود باید فوراً دلایل دستگیری و اتهام علیه او به زبانی که درک می‌کند به وی تفهیم شود. ۳- هرکس که طبق مقررات بند (ج) این ماده دستگیر یا بازداشت می‌شود، باید فوراً نزد قاضی یا مقامی برده شود که به موجب قانون مجاز به اعمال قدرت قضایی است و حق خواهد داشت که ظرف مدت معقولی محاکمه گردد یا تا زمان محاکمه آزاد شود. آزادی ممکن است به دادن تضمین‌هایی برای حضور جهت محاکمه مشروط شود. ۴- هرکس که با دستگیری یا بازداشت از آزادی خویش محروم شده است حق خواهد داشت که دعوائی اقامه کند که به موجب آن در مورد قانونی بودن بازداشت وی در دادگاه سریعاً اتخاذ تصمیم شود و در صورتی غیرقانونی بودن بازداشت حکم آزادی وی صادر شود. ۵ - هرکس که قربانی دستگیری یا

بازداشت برخلاف مفاد این ماده شده باشد، حق درخواست جبران خسارت را خواهد داشت.»

آمده‌اند. وی تا زمان اخراج از بلژیک با مجوز اقامت در این کشور زندگی می‌کرده و در سال ۱۹۸۱ برای ۱۴۷ مورد اتهام از جمله ۸۲ مورد سرقت، تحت تعقیب قرار گرفته و در سال ۱۹۸۴ دستور سلطنتی مبنی بر اخراج ایشان از بلژیک صادر شده است. (Lauterpacht: 1993:356-357) در پی این فرمان ایشان به دیوان اروپایی حقوق بشر علیه کشور بلژیک شکایت نمود دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در ۱۸ فوریه سال ۱۹۹۱ نقض ماده ۸ کنوانسیون را به خاطر نامتناسب بودن دستور اخراج با هدف مجازات جرایم ارتكابی و با عنایت به این‌که ایشان از دوران کودکی در بلژیک اقامت داشته و تمام اعضای خانواده‌شان در این کشور ساکن هستند، تأیید نمود.

۲-۱-۵- استناد به ماده سیزدهم کنوانسیون^۲

در این ماده به حق دسترسی مؤثر به مراجع قضایی برای حقوقی که تحت مواد کنوانسیون به رسمیت شناخته شده، تصریح شده است. بنابراین به استناد این ماده هر کدام از حقوق مصرح کنوانسیون در مراجع داخلی، قابل پیگرد خواهد بود. شعبه عالی دادگاه اروپایی حقوق بشر در «قضیه کودلا علیه دولت لهستان» (Kudla v. Poland, 2000: 30210/96) در خصوص ماده ۱۳ این‌چنین بیان می‌نماید: هدف این ماده تهیه ابزاری است که افراد را برای اقامه دعوا در خصوص نقض کنوانسیون نزد مقامات ملی و دادگاه قادر سازد (Barkhuysen, 2006: 423).

همچنین در پرونده مربوط ب شکایت آقای (د) و دیگران علیه ترکیه (D. and Others v. Turkey, 2006: 24245/03)، آقای (د) از خانواده‌ای کرد تبار و سنی ایرانی، بدون اطلاع و رضایت رسمی پدر خانم (س) وی را به عقد خویش در می‌آورد. ازدواج (د) و (س) از آن جهت که پدر (س) با آن مخالف بوده از سوی دادگاه باطل اعلام می‌گردد و

به‌عنوان ورود غیرقانونی، بازداشت شدند. دولت ترکیه علی‌رغم اظهارات ایشان مبنی بر این‌که در کشور ایران و عراق، خطر رفتار غیرانسانی و یا شکنجه و مرگ برای آنها وجود دارد، آنها را اخراج نمود و به ایران فرستاد؛ اما دولت ایران ورود آنان را به کشور نپذیرفت. در نهایت، آنان در سپتامبر ۲۰۰۸ به اتهام ورود غیر قانونی به کشور ترکیه حبس شدند و مقامات ترکیه به آنها اجازه ملاقات با وکلای مدافع را نداد و از کلیه حقوق پناهندگی نیز آنان را محروم نمودند. آنها به دیوان اروپایی حقوق بشر تحت عنوان نقض حقوق بشر مصرح در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شکایت کردند. دیوان در رأی صادره خویش دولت ترکیه را به علت نقض مواد ۳ «منع شکنجه»، ۵ «حق آزادی و امنیت» و ۱۳ «حق جبران مؤثر» محکوم کرد؛ همچنین دولت ترکیه را موظف به پرداخت ۴۰۰۰۰ یورو به‌عنوان غرامت به این پناهندگان ایرانی برای اخراجشان نمود (Zeik, 2010: 615).

۲-۱-۴- استناد به ماده هشتم کنوانسیون^۱

این ماده، در مورد حق احترام به زندگی خانوادگی، حریم خصوصی، خانه و مکاتبات خصوصی است. دیوان اروپایی حقوق بشر نیز برای حمایت از زندگی خانوادگی و حریم خصوصی تفسیر موسعی ارائه داده است. دیوان در دعاوی استنادی به این ماده بین حقوق شخصی و زندگی خانوادگی افراد و منافع جامعه که در مواردی در تقابل با یکدیگرند تعادل برقرار می‌نماید.

در پرونده «مستقیم» علیه بلژیک (Moustaquim v. Belgium, 1991:12313/86) خواهان این پرونده، آقای مستقیم، متولد و تبعه کشور مراکش است و به هنگامی که دو سال سن داشته به همراه خانواده‌اش به بلژیک مهاجرت می‌نماید. سه‌تن از خواهر و برادرانش در بلژیک به دنیا

^۱- ماده هشتم: ۱- هرکس حق دارد که حرمت زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات وی حفظ شود. ۲- مرجع عمومی نباید هیچ مداخله‌ای در اعمال این حق کند، مگر آنچه طبق قانون باشد و در جامعه دموکراتیک به جهت مصالح امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، حفظ نظم و پیشگیری از جرایم، حمایت از بهداشت یا اخلاقیات، یا حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران لازم باشد.

^۲- ماده سیزدهم: «هرکس که حقوق و آزادی‌های شناخته شده‌اش به موجب این کنوانسیون نقض شود، باید وسیله احقاق حق مؤثر وی نزد مرجع ملی فراهم شود، هر چند که نقض حقوق را اشخاصی انجام داده باشند که به اعتبار شغل رسمی عمل کرده باشند.»

درواقع، ماده ۲۹ ICTY و ماده ۲۸ ICTR اعلام می‌دارد: «دولت‌ها باید با دادگاه بین‌المللی در تحقیق و تعقیب افرادی که متهم به ارتکاب نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه هستند، همکاری کنند.»^۴ بند ۲ ماده ۲۹ ICTY و بند ۲ ماده ۲۸ ICTR تصریح می‌کند که چنین کمکی مستلزم تبعیت از دستورات شعبات دیوان است، مانند شناسایی مکان افراد، دستگیری یا بازداشت افراد و تسلیم یا انتقال متهمان به دادگاه.

گزارش دبیرکل برای ICTY بیان می‌کند که دستور دادگاه برای تسلیم یا انتقال افراد «به‌عنوان اعمال یک اقدام اجرایی طبق فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد تلقی می‌شود»^۵ به طور خاص‌تر، قواعد رویه و شواهد برای هر دو دادگاه تکرار می‌کند که تعهدات مربوط به تسلیم یا انتقال یک متهم بر «قانون ملی یا معاهدات استرداد دولت مربوطه» ارجحیت دارد. این قوانین همچنین ارجاع به شورای امنیت سازمان ملل متحد را در صورت کوتاهی یا امتناع کشوری از اجرای حکم بازداشت دادگاه پیش‌بینی می‌کند (U.N. Doc. IT/32/Rev.11, 1997: art. 29; U.N. Doc. IT/3/Rev.9, 1996: art. 28). قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد به‌عنوان یکی از موانع استرداد در ماده ۱۰ ICTY و ماده ۹ ICTR آمده است.

۲-۳- استرداد در دیوان کیفری بین‌المللی

تفاوت در قوانین تسلیم بین ICC و دادگاه‌ها در نظریه‌های صلاحیت همزمان آنها نهفته است و این موضوع یکی از موانع استرداد تلقی می‌شود. صلاحیت ICC مبتنی بر صلاحیت تکمیلی است. به این معنی که ممکن است فقط پرونده‌ای را بپذیرد که دادگاه‌های ملی مایل یا قادر به تعقیب یا تحقیق واقعی پرونده نباشند. همچنین به‌گفته عفو بین‌الملل، جدی‌ترین مشکل بسیاری از قوانین وضع شده، عدم رعایت مقرراتی است که مستلزم انتقال متهم به

این دو نفر به جرم زنای غیر محصن تحت تعقیب قرار می‌گیرند. مجازات (د) که حکم شلاق بوده، بلافاصله اجرا می‌گردد؛ ولی مجازات (س) بخاطر بارداری به تأخیر می‌افتد. از طرفی (د) قبلاً به‌علت فعالیت سیاسی، دستگیر و زندانی شده است. وی به‌دلیل ترس از تحت تعقیب قرارگرفتن و نیز فرار از اجرای حکم ۱۰۰ ضربه شلاق خانم (س)، به همراه خانواده خود به ترکیه فرار می‌کنند و سپس از کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان، درخواست پناهندگی می‌نمایند که پس از رد شدن این درخواست، دولت ترکیه حکم اخراجشان را صادر نمود. ایشان در اعتراض به تصمیم دولت ترکیه به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت نموده و علاوه‌بر دلالت به نقض ماده ۳ کنوانسیون درخصوص در معرض مجازات قرار گرفتن (د) به‌دلیل ارتکاب جرم سیاسی و در معرض مجازات شلاق قرار گرفتن خانم (س) و احتمال گسستگی نهاد خانواده‌شان، آنها در شکایت خود مدعی شدند که دولت ترکیه با محروم نمودن آنان از امکان بررسی عادلانه درخواست پناهندگی‌شان، ماده ۱۳ کنوانسیون را نیز نقض کرده است. همچنین به این دلیل که دولت ترکیه غیر اروپائیان را به‌عنوان پناهنده نمی‌پذیرد ناقض ماده ۱۴ (عدم تبعیض) این کنوانسیون دانسته‌اند. در نهایت، دیوان اروپایی حقوق بشر، شکایات این خانواده را قابل قبول دانسته و کشور ترکیه را ناقض مواد ۳ و ۱۳ کنوانسیون اعلام کرد و دولت ترکیه را به پرداخت ۵۰۰۰ یورو بابت غرامت به این خانواده محکوم نمود. نکته حائز اهمیت در ارتباط با ماده سیزده کنوانسیون و جلوگیری از اخراج و استرداد این است که در موارد منع اخراج و استرداد در پرونده‌های مطروحه در دادگاه اروپایی حقوق بشر، این ماده معمولاً به انضمام مواد دیگری از کنوانسیون مورد استناد قرار می‌گیرد. (احمدی نژاد، ۱۳۹۱: ۲۵)

۲-۲- استرداد در رویه دیوان کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا

برخلاف اساسنامه ICC^۱، نه ICTY^۲ و نه ICTR^۳ هیچ‌گونه اولویتی برای قوانین ملی در مورد تسلیم شدن قائل نیست.

^۲- International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia.

^۳-International Criminal Tribunal for Rwanda

^۴- ICTY Statute, art. 29; and ICTR Statute, art. 28.

^۵- Secretary-General's Report

^۱-International Criminal Court.

راستا دیوان اروپایی حقوق بشر با استناد به حقوق مندرج در کنوانسیون (مانند حق حیات، منع شکنجه) و ادله ارائه شده از سوی اشخاص معترض به تصمیم استرداد یا اخراج، رسیدگی و حکم صادر می‌کند.

ایرادی که می‌توان به کنوانسیون حقوق بشر اروپایی گرفت این است که این کنوانسیون صرفاً حقوق اشخاص متقاضی عدم استرداد یا اخراج را بدون لحاظ نمودن عمل مجرمانه آنان در نظر می‌گیرد و به اصطلاح آنها را تحت حمایت خویش قرار می‌دهد اما حقوق بزه‌دیدگان جرایمی که این اشخاص مرتکب آن شده‌اند را نادیده می‌گیرد.

در مورد قاعده اختصاصیت، ممنوعیت ناشی از اجرای این قاعده، مجرم مسترد شده را از مزیت ویژه‌ای نسبت به مجرمی که بازگشت داوطلبانه یا اجباری داشته است برخوردار می‌سازد. به عبارتی وضع این قاعده شاید انگیزه فرار مجرمین به کشور دیگر را افزایش دهد؛ چون در صورت درخواست استرداد، اگر با تمسک به موازین حقوق بشری نتوانند مراجع قضایی کشوری که در آن اقامت یافته و یا تابعیت آن را کسب کرده‌اند قانع کنند، نهایتاً با انجام استرداد، صرفاً در محدوده جرایم مورد اشاره در متن درخواست استرداد محاکمه می‌شوند و به عبارتی دیگر نسبت به سایر جرایم ارتكابی قبلی، مصونیت خواهند داشت و این موارد می‌تواند استفاده ناعادلانه یا سوءاستفاده از فرآیند استرداد ناشی از اختصاصیت محسوب شود. در حالی که منافع عمومی در تعقیب و مجازات مجرمان است. از دیگر موضوعات «اصل اختصاص»، احتمال تغییر عنوان مجرمانه یا عدم همخوانی عناوین مجرمانه است. در این حالت، تشدید میزان مجازات از سوی دولت درخواست کننده به مثابه آسیب به حقوق متهم بوده و ممکن است باعث بروز اختلاف با دولت درخواست‌شونده گردد. این موضوع در برخی از معاهدات اخیر استرداد مجرمان ایران پیش‌بینی شده‌است.

از آنجاییکه منع استرداد، به‌عنوان استثنائی در برابر اصل استرداد می‌باشد، لذا در روابط بین‌الملل با لحاظ نمودن ظرافت‌های حقوقی مرتبط با اهداف استرداد (ازجمله تأکید بر عدم استرداد در موانع الزامی ازجمله در مورد جرایم سیاسی،

بازداشت دادگاه‌ها است. چندین کشور از جمله اتریش، دانمارک، فنلاند، ایسلند، ایتالیا، نروژ، سوئد، سوئیس و ایالات متحده در قوانین خود برای انتقال متهمان، از طریق استرداد مقرراتی پیش‌بینی کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

استرداد یک ظرفیت بین‌المللی برای مقابله با مجرمانی است که پس از ارتکاب جرم و قبل از کشف آن، مبادرت به فرار از کشوری که در آن مرتکب جرم شده‌اند، می‌نمایند و این مقوله به‌عنوان اقدام بازدارنده علیه مجرمین و فراهم آوردن زمینه تعقیب کیفری و استرداد آنان است. همکاری دولت‌ها در این زمینه، موجبات مبارزه با جرایم و جنایت‌ها در سطح بین‌الملل را فراهم می‌کند و دولت‌ها را ملزم می‌سازد با تمهیدات قانونی، تحقیق و تعقیب متهمان و مجرمان و استرداد آنان، زمینه اجرای عدالت، جلوگیری از بی‌کیفرماندن مجرمین و خنثی کردن ملاحظات سیاسی دولت‌ها در قبال متهمان فراری را فراهم آورند. ضمانت اجرای نقض این قبیل تعهدات، مسؤولیت بین‌المللی دولت‌های متعاقد خواهد بود. سیاست جنایی به‌کارگیری مکانیسم استرداد یا اخراج، به‌منظور صیانت از جامعه در برابر این قبیل مجرمان است. در عین حال، استرداد رویکردی دوگانه دارد و رویه‌های استرداد نه تنها برای اطمینان از بازگرداندن مجرمان از یک کشور به کشور دیگر، بلکه بعضاً برای حمایت از حقوق مجرمین توسط کشور درخواست‌کننده، طراحی شده‌اند.

از طرفی، امکان استرداد مجرمین در همه موارد ممکن نیست. قوانین داخلی کشورها، عرف و رویه بین‌المللی، عدم رعایت تشریفات استرداد و در مواردی رعایت موازین حقوق بشر می‌تواند مانع استرداد شود. ازجمله در وضعیت‌هایی که استرداد مجرم می‌تواند او را در معرض اعدام، شکنجه، گسست خانوادگی و... قرار دهد. در این راستا کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به‌منظور اطمینان از عدم اعدام، شکنجه و رفتارهای تحقیرآمیز، جدایی از خانواده و... بدون توجه به جرمی که متهم مرتکب آن شده است و در مواردی با أخذ ضمانت کافی از کشوری که فرد به آنجا تحویل داده می‌شود، از جانب کشورهای عضو کنوانسیون رعایت می‌گردد. در این

- سلیمی، صادق (۱۴۰۰). چکیده حقوق جزایی عمومی. چاپ دهم، ویراست پنجم، تهران: انتشارات جاودانه.

- شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۳). «تصویب موافقتنامه‌های همکاری قضایی بین‌المللی؛ مشکلات و راه‌حل‌ها». فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۶۶: ۳۹-۷۴.

- صانعی، پرویز (۱۳۷۷). حقوق جزای عمومی. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.

- عباسی، محمود (۱۳۷۰). استرداد مجرمین. تهران: نشر گنج دانش.

- عمید، حسن (۱۳۶۹). فرهنگ عمید. چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- فاطمی شریعت پناهی، سیدکاظم (۱۳۵۰). استرداد مجرمین. قم: چاپ حکمت.

- کریمی، غلامرضا (۱۴۰۰). «واکاوی تعارض استرداد مجرمین با مفهوم حقوق بشر دوستانه اروپایی». فصلنامه مطالعات منافع ملی، ۶(۳): ۱۳۳-۱۵۰.

- محسنی، مرتضی (۱۳۸۲). دوره حقوق جزای عمومی؛ کلیات حقوق جزا. جلد اول، تهران: نشر گنج دانش.

- هوگو، گروسیوس (۱۳۹۲). حقوق جنگ و صلح. ترجمه حسین پیران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

ب. منابع انگلیسی

- Agrawala, S. K. (1965). *International law: Indian courts and legislature*. New York: Oceana Publications.

- Barkhuysen, T & Emmerik, M.L. (2006). *Accountability of the Judiciary on the National Level for Violations of the European Convention on Human Rights*. UK: British Institute of International and Comparative Law.

جرائم نظامی، تعقیب مبتنی بر تبعیض، مجازات‌ها یا رفتارهای خوارکننده انسانی) می‌توان با کاهش دادن موارد منع اختیاری استرداد و افزایش تمرکز بر شخصیت مجرم، نوع و شدت جرم ارتكابی، احتمال بی‌کیفر ماندن مجرمین، بویژه مجرمین خطرناک را کاهش داد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله از ابتدا تا انتها توسط نویسنده انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- احمدی نژاد، مریم (۱۳۹۱). «موانع استرداد و اخراج مجرمین در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱(۱): ۱-۳۲.

- آخوندی، محمد (۱۳۸۲). آئین دادرسی کیفری. جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

- پوربافرانی، حسن (۱۳۹۰). حقوق جزای بین‌الملل. چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۶). نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش.

-
- Bassiouni, Ch & Wise, E (1995). *The Duty to Extradite or Prosecute*. London: Martinus Nijhofe Publishers.
 - Bassiouni, M. C. (2014). *International extradition: United States law and practice*. 6th ed., New York: Oxford University Press.
 - Council of Europe (2006). *European Court of Human Rights*. Case of Bader and Others V. Sweden, 4-17.
 - Garcia, M. J. & Doyle, Ch (2010). *Extradition to and from the United States: Overview of the law and Recent Treaties*. Congressional Research Service, DIANE Publishing.
 - Langford, P (2009). "Extradition and fundamental rights: the prespective of European Court of Human Rights". *The International journal of Human Rights*, 13(4): 512-529.
 - Lauterpacht, E, (1993). *International Law Reports*. Vol 92, Cambridge: Cambridge University Press.
 - Mole, N (2007). *Asylum and the European Convention on Human Rights*. Vol 88, Council of Europe.
 - Stria and Yugoslavia (1964). Decision of 30 June 1964, no.2143/64, 7 Yearbook: 314 - 328.